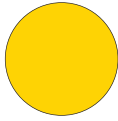


یادداشت  
O P I N I O N



ترکس جمشیدیان

مسئول واحد حقوقی انجمن حمایت از حقوق کودکان

## کودک‌آزاری و تابوهای فرهنگی

گزارش و پیگیری پرونده‌های تجاوز جنسی به کودکان به دلیل ترس از آبرو و انگ اجتماعی در سایه تابوهای فرهنگی، اغلب با موانعی در کشور مواجه است. در بسیاری از موارد، کودکان به‌ویژه در سنین پایین که مورد تجاوز قرار می‌گیرند، درک درستی از اتفاقی که برایشان پیش آمده ندارند و حتی ممکن است تصور کنند این رفتار طبیعی است. وقتی نیز که متجاوز از نزدیکان کودک باشد، کودک ممکن است نتواند موضوع را بازگو کند یا خانواده او را از صحبت کردن در مورد آن منع کنند.

حتی در مواردی که کودک قصد افشایگری دارد، ممکن است با بی‌توجهی و یا منع از بازگو کردن مواجه شود. در برخی از خانواده‌ها به کودک گفته می‌شود که درباره اندام خصوصی‌اش صحبت نکند یا حتی موضوع را کتمان می‌کنند تا آبروی‌شان حفظ شود.

در موارد تجاوز به دختران این محدودیت شدیدتر است. ترس از آینده کودک و نگرانی از انگ اجتماعی باعث می‌شود خانواده‌ها از گزارش‌دهی خودداری کنند. در برخی موارد نیز پدر خود متجاوز بوده و مادر به‌خاطر ترس از آبرو و ترس از فروپاشی خانواده، از گزارش جرم خودداری می‌کند.

در برخی از مواردی که خانواده‌ها با انجمن تماس می‌گیرند، در بدو امر تعرض جدی پیگیری می‌شود اما پس از مدتی، تحت فشار اطرافیان یا به دلیل نگرانی از افشای موضوع، همکاری خود را قطع می‌کنند. حتی در مواردی که وکلای انجمن وکالت پرونده را برعهده گرفته و ورود کرده‌اند، خانواده‌ها در مرحله دادسرا یا دادگاه از ادامه پیگیری منصرف شده و ارتباط‌شان را قطع کرده‌اند. این امر موجب سستی در پیگیری پرونده‌ها می‌شود.

بنابراین می‌توان چنین نتیجه گرفت که یکی از بزرگترین موانع رسیدگی به جرائم جنسی علیه کودکان تابوهای فرهنگی و اجتماعی است. به همین دلیل فرهنگسازی برای تغییر این نگرش جامعه و همچنین تقویت سازوکارهای حمایتی از خانواده قربانیان بسیار احساس می‌شود.

به گفته کارشناسان، تابوهای فرهنگی و نگرش‌های سنتی در مورد جرایم جنسی نه‌تنها به قربانیان فشار روانی وارد می‌کند بلکه با ایجاد فضای مخفی‌کاری، «حاشیه امن» برای مجرمان فراهم می‌کند.

کاهش گزارش‌دهی به دلیل ترس از افشا یا قضاوت، هزینه ارتکاب جرم را برای متجاوزان کاهش داده و احتمال مجازات را کاهش می‌دهد. با توجه به اینکه کودک‌آزاری جرمی عمومی است، اما می‌بایست تمام مردم در صورت مواجهه با چنین مواردی، با مراجع ذی‌صلاح همچون پلیس یا اورژانس اجتماعی تماس گرفته و کودک‌آزاری را گزارش دهند، یا حتی می‌توانند موضوع را از طریق انجمن‌هایی که اساننامه آنها در زمینه حمایت از اطفال و نوجوانان مانند انجمن حمایت از حقوق کودکان است، پیگیری کنند.

انجمن حمایت از حقوق کودکان از نهادهای قانونگذار و اجرایی خواسته تا با ایجاد بستری امن برای گزارش‌دهی و حمایت از قربانیان، مانع از تداوم سکوت در این پرونده‌ها شوند. علاوه بر این، انجمن حمایت از حقوق کودکان به منظور حمایت از حقوق کودکان؛ به‌ویژه کودکان در معرض آسیب یا آسیب‌دیده ضمن ارائه خدمات مشاوره حقوقی به تماس‌گیرندگان، وکالت رایگان شامل موارد کیفری (از قبیل کودک‌آزاری و تجاوز جنسی) و مدنی (از قبیل نفقه، حضانت) کودکان را می‌پذیرد.

## بررسی پرونده تلخ تجاوز به ۵ کودک در گفت‌وگوی آتی‌نو با وکیل پایه یک دادگستری

# امنیت کودکان قربانی قوانین ناکارآمد

در نخستین روزهای ماه جاری، پلیس آگاهی تهران از بازداشت مردی سابقه‌دار به اتهام آدم‌ربایی و تجاوز به چند کودک خبر داد؛ رویدادی تلخ که بار دیگر زنگ خطر تکرار چرخه آزار جنسی کودکان را به صدا درآورد. اگرچه در نظام حقوقی ایران، جرایم جنسی علیه کودکان با مجازات‌هایی سنگین چون اعدام، حبس طولانی مدت، شلاق و پرداخت دیه روبه‌رو است، اما بازگشت دوباره مجرمان به جامعه، پرسش‌هایی جدی درباره ناکارآمدی قوانین موجود و نقش آن‌ها در پیشگیری از تکرار این جنایات مطرح کرده است. در پی انتشار این خبر، آتی‌نو در گفت‌وگو با عبدالله خاتمی فرد، وکیل پایه یک دادگستری، ابعاد حقوقی این موضوع و ظرفیت‌های قوانین فعلی از جمله قانون مجازات اسلامی و قانون حمایت از اطفال و نوجوانان را بررسی کرد.

### مسئولیت‌های گمشده نهادی

در نظام حقوقی ایران، مسئولیت والدین و نهادهای آموزشی در باره حفاظت از کودکان به اندازه کافی روشن و الزام‌آور نیست. به گفته خاتمی فرد، اگرچه وظایف کلی در قانون مدنی و قوانین آموزشی آمده، اما در عمل، اغلب تنها پس از وقوع جرم است که مسئولیت‌ها مطرح می‌شوند. مراکز آموزشی، مهدکودک‌ها و حتی مدارس، اگر در وقوع جرم نقش مستقیم نداشته باشند، از پیگیری قضایی مصونند؛ حتی اگر زمینه‌ساز بزه بوده باشند. او معتقد است که «نگاه حداقلی به مسئولیت قانونی این نهادها، گریزگاهی برای اهمال و بی‌تفاوتی آنان ایجاد کرده

است.» از نظر او، بازنگری جدی در قوانین مربوط به مسئولیت نهادهای نگهدارنده کودک، با تکیه بر دانش روانشناسی، جامعه‌شناسی و حقوق کیفری ضروری است.

### استاندارد جهانی؛ چالش محلی

یکی از محورهای انتقاد نهادهای بین‌المللی، ساختار قانونی ایران در زمینه حقوق کودک است. خاتمی فرد به صراحت می‌گوید که برخی از این انتقادات، مبتنی بر واقعیت‌های انکارناپذیرند. به‌طور مثال، ماده و تبصره‌ای در قانون مجازات وجود دارد که به پدر، حق تربیت و حتی تنبیه کودک را می‌دهد. یا اینکه پدر در صورت قتل فرزندش، به اعدام محکوم نمی‌شود. این احکام اگرچه ریشه در فقه دارند، اما در منظومه حقوق کودک، نشانه‌هایی از ضعف در احترام به کرامت انسانی کودک محسوب می‌شوند. در این بین خاتمی فرد معتقد است این موارد، برخلاف اصول پذیرفته‌شده در پیمان نامه جهانی حقوق کودک هستند که ایران خود آن را پذیرفته و تصویب کرده است.

### تجربه دنیا، راهی برای ما

کشورهای مختلف با اصلاح سن قانونی بلوغ، تعریف دقیق تجاوز و حذف برخی استثنای قضایی، توانسته‌اند نرخ آزار جنسی کودکان را کاهش دهند. خاتمی فرد معتقد است ایران نیز می‌تواند از این تجربه‌ها بهره‌گیرد، اما لازمه آن، داشتن یک اراده سیاست‌گذارانه روشن و برنامه‌ریزی مبتنی بر داده و واقعیت است. به گفته او، «علم جرم‌شناسی در ایران مهجور مانده، در حالی که با استفاده از ظرفیت دانشگاه‌ها و نخبگان می‌توان نقشه بزه‌خیزی در مناطق مختلف را

قانون مجازات اسلامی و قانون حمایت از اطفال و نوجوانان، ابزارهایی قدرتمند برای حفاظت از کودکان در برابر خشونت جنسی به شمار می‌روند. اما به گفته خاتمی فرد، موضوع تنها داشتن قانون نیست؛ کارایی، اجرا و سازوکار پیشگیرانه نیز از اهمیت فراوانی برخوردار است. او می‌گوید: «نیاید تنها فقط به دنبال تشدید مجازات بود. تازمانی که زمینه‌های وقوع جرم و عوامل تسهیل‌کننده آن از میان نرود، قانون در مقام واکنش باقی می‌ماند، نه بازدارندگی.»

از نظر او، پیمان نامه جهانی حقوق کودک که از دهه ۷۰ در ایران به قانون داخلی تبدیل شده، ظرفیت‌های مغفول‌مانده بسیاری دارد. مواد مختلف این پیمان نامه دولت‌ها را ملزم به پیشگیری از هر نوع بهره‌کشی جنسی از کودکان کرده؛ اما با این حال در ایران به دلیل ناکارآمدی نهادهای مسئول و نبود هماهنگی میان آنها، این تعهدات بیشتر جنبه تشریفاتی پیدا کرده‌اند.

### آسیب در بستر فرهنگ

فرهنگ سکوت و شرم، یکی از موانع جدی حمایت از کودکان بزه‌دیده است. خاتمی فرد می‌گوید بسیاری از والدین حتی پس از وقوع جرم، از مراجعه به مراجع قضایی یا رسانه‌ای کردن موضوع امتناع می‌کنند؛ به‌ویژه وقتی پای یکی از اعضای خانواده یا آشنایان در بین باشد، موضوع به «حفظ آبرو» گره می‌خورد و قربانی قربانی‌تر می‌شود. در عین حال، فرایند قضایی نیز خالی از تنش نیست. دادگاه‌ها عمدتاً غیرعلنی برگزار می‌شوند و برای کودک بزه‌دیده، اعتماد به قاضی و وکیل بسیار دشوار است. نیاز به مشاوره‌های روانی تخصصی، حضور مددکار اجتماعی و حمایت قضایی واقعی نیز هنوز در ساختارهای رسمی جدی گرفته نمی‌شود.

### چالش اثبات در دادگاه

یکی از نکات کلیدی، پیچیدگی اثبات جرم تجاوز جنسی به کودکان است. خاتمی فرد تأکید می‌کند در غیاب شاهد عینی – که در چنین جرائمی بسیار نادر است – نظام قضایی برای اثبات جرم، اغلب یا به اقرار صریح متهم یا به شهادت‌های غیرمستقیم وابسته می‌ماند. مدارک پزشکی قانونی و شواهد دیجیتال گرچه می‌توانند کمک کننده باشند، اما به دلیل عدم ثبات در قانون، معمولاً نقش مکمل دارند؛ نه اثباتی. در بسیاری موارد، متهم با انکار، فقدان مدرک قطعی را به نفع خود به کار می‌گیرد و کودک بزه‌دیده، تحت فشار روانی، حتی ممکن است قادر به ارائه روایت کامل از ماجرا نباشد. بنابراین عدالت قربانی می‌شود؛ بی‌آنکه بزهارا لزوماً مجازات شود.

ترسیم و سیاست‌گذاری امنیتی را به‌جای واکنش، مبتنی بر پیش‌بینی و پیشگیری تنظیم کرد.»

### اصلاحات بدون تعارف

پیشنهاد‌های خاتمی فرد برای اصلاح قانونی، به‌وضوح از جنس تعارف‌های معمول نیست. او از «سیاست جنایی» به عنوان نقطه شروع یاد می‌کند؛ یعنی باید مشخص شود هدف قانونگذار از تعریف جرم، مجازات یا پیشگیری است. اگر نگاه غالب پیشگیرانه باشد، باید در شیوه‌های پلیسی، نظام قضایی و آموزش عمومی تغییر جدی ایجاد شود.

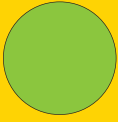
او همچنین بر نقش نظارت مستمر و فعال پلیس بر اماکن عمومی و نقاط بزه‌خیز تأکید دارد. این نظارت نباید فقط در قالب حضور فیزیکی نیروهای انتظامی باشد بلکه باید به‌صورت زیرساختی از طریق استفاده از دوربین‌های هوشمند، تحلیل داده‌ها و مشارکت شهروندان پیگیری شود.



### کودک؛ مسئولیتی جمعی

پایان گفت‌وگو با نگاهی به مفهوم «جامعه‌دوستدار کودک» صورت گرفت. خاتمی فرد می‌گوید: «در هیچ کشوری، فقط پلیس و دادگاه نمی‌توانند از کودک حمایت کنند. خانه، مدرسه، مسجد، رسانه و جامعه نیز باید یکپارچه و آگاه عمل کنند؛ چون کودک، نه فقط فرزند یک خانواده، بلکه آینده یک ملت است.» او هشدار می‌دهد هر بار که رسانه‌ها از تجاوزی دیگر به کودکان خبر می‌دهند، نه فقط یک جنایت، بلکه یک شکست ملی ثبت می‌شود. تکرار این چرخه، به‌جای درمان، فقط بی‌اعتمادی و بی‌ثباتی اجتماعی به بار می‌آورد. پرونده تجاوز به پنج کودک، نه یک حادثه بلکه نمادی از ترک‌خوردگی‌های قانونی و نهادی است. اگرچه در این میان قوانین سختگیرانه‌ای وجود دارد، اما بدون اصلاحات ساختاری، تقویت نهادهای ناظر، آموزش عمومی و پذیرش انتقادهای داخلی و خارجی، امنیت کودکان تضمین‌یافته نیست. جامعه‌ای که در برابر خشونت علیه کودک سکوت کند، دیر یا زود بهایی سنگین‌تر خواهد پرداخت.

# تجاوز به کودکان اعداد فریاد می‌زنند، قوانین سکوت می‌کنند



مهدیار عبدالحی

روزنامه نگار

قانونی به جریان افتاد. این پرونده نیز پس از دستگیری متهم به‌طور مختصر در روزنامه همشهری پوشش داده شد. همچنین در سال ۱۴۰۱، پرونده‌ای از تجاوز به یک نوجوان ۱۵ ساله در مشهد منتشر شد. این پرونده پس از خودکشی نوجوان و انتقال به بیمارستان به رسانه‌ها راه یافت و خبرگزاری تابناک به‌طور گذرا به آن پرداخت. در خصوص مجازات متجاوزان جنسی به کودکان، قانون مجازات اسلامی ایران مواد مختلفی را برای این جرم در نظر گرفته است. طبق مواد (۱۳۴ تا ۱۳۹) قانون مجازات اسلامی، در صورت اثبات جرم، مجازات‌های شدیدی برای متجاوزان در نظر گرفته شده است. ماده (۱۰۴) این قانون درخصوص جرائم جنسی توسط محارم می‌گوید که مجازات این جرم اعدام است. همچنین ماده (۳۰۲) قانون مجازات اسلامی بیان می‌کند در صورتی که تجاوز منجر به آسیب شدید جسمی یا روانی به کودک شود، مجازات مرتکب می‌تواند به‌شدت افزایش یابد.

اغلب محدود و با تأخیر قابل توجهی منتشر می‌شوند. به‌عنوان نمونه، در سال ۱۴۰۰، گزارشی از آزار جنسی چند دانش‌آموز پسر توسط معاون یک مدرسه غیرانتفاعی در غرب تهران منتشر شد. پس از مشاهده تغییرات رفتاری در کودکان، خانواده‌ها وارد عمل شدند و موضوع را پیگیری کردند. این پرونده که در رسانه‌ها تحت پوشش قرار گرفت، پس از دستگیری متهم توسط خبرگزاری ایلنا به‌طور رسمی اعلام شد. یکی دیگر از پرونده‌های مشابه در اصفهان بود که در آن یک مربی مهدکودک به اتهام آزار جنسی چند کودک ۴ تا ۶ساله دستگیر شد. در پی مشاهده علائم جسمی و روانی در کودکان، این موضوع توسط خانواده‌ها به مراجع قضایی گزارش شد. خبرگزاری مهر به‌طور محدود این پرونده را پوشش داد و از محکومیت متجاوز خبر داد.

در سال ۱۳۹۹، خبری از تجاوز به یک کودک ۶ساله در شیراز منتشر شد که در پی شکایت خانواده و تأیید پزشکی

و سوریه، کودکان به‌طور سیستماتیک قربانی خشونت‌های جنسی و اجتماعی می‌شوند. در این مناطق، وضعیت حقوق بشر به قدری شکننده است که از کودک‌آزاری به‌عنوان یک ابزار جنگی و سیاسی استفاده می‌شود. در برخی کشورهای خاورمیانه، به‌ویژه در ایران، به‌دلیل مسائل فرهنگی و محدودیت‌های قانونی، آمار دقیقی از تجاوز جنسی به کودکان وجود ندارد. رسانه‌ها نیز به‌دلیل حساسیت‌های اجتماعی نمی‌توانند جزئیات این نوع از خشونت‌ها را منتشر کنند. با این حال، سازمان‌های حقوق بشری همچنان در گزارش‌های خود از موارد کودک‌همسری و سوءاستفاده جنسی از کودکان در کشورهایی مانند یمن، افغانستان و ایران پرده‌برداری کرده‌اند. در ایران به‌طور معمول پس از وقوع چنین جنایاتی و فشار افکار عمومی، برخی جزئیات از سوی رسانه‌های داخلی و فعالان حقوق کودک منتشر می‌شود. این در حالی است که گزارش‌ها در این زمینه

تجاوز جنسی به کودکان یکی از شایع‌ترین جنایات بشری است که در گوشه و کنار جهان در حال وقوع است. با این حال، در برخی کشورها این واقعیت به دلیل تابو بودن موضوع یا عدم وجود سیستم‌های گزارش‌دهی شفاف، به سختی در آمارها نمایان می‌شود. در گزارش‌های بین‌المللی، اما وضعیت نگران‌کننده‌ای از این پدیده ترسیم شده است. بر اساس گزارش سازمان جهانی بهداشت (WHO)، از هر ۵ دختر و از هر ۱۳ پسر، حداقل یک نفر قبل از رسیدن به سن ۱۸ سالگی مورد سوءاستفاده جنسی قرار می‌گیرد. یونیسف نیز تخمین زده است که حدود ۱۲۰ میلیون دختر زیر ۲۰ سال در سراسر جهان خشونت جنسی را تجربه کرده‌اند. این آمارها هشداردهنده هستند و نشان می‌دهند این پدیده یک بحران جهانی است که نیاز به توجه فوری دارد. گزارش‌های دیده‌بان حقوق بشر درباره تجاوز به کودکان در مناطق جنگی نیز این واقعیت را تأیید می‌کند. در کشورهایی مانند سودان جنوبی، جمهوری دموکراتیک کنگو